

کلمات پر تکرار در آزمون EPT

strengthened	نیرومند کردن	reconstructing	نوسازی کردن
enriched	غنی شده	Invaluable	با ارزش و گرانبها
Explore	اکتشاف کردن	Inaccessible	خارج از دسترس
symbolized	نشانه - نمایه	Inevitable	غیر قابل اجتناب
Termite	موریانه	Insolvable	حل نشدنی
ants	مورچه	sand	ماسه - شن
creating	ایجاد کردن - خلق کردن	Dry river	رودخانه خشک
Making	ساخت - ترکیب	mountains	کوهستان
causing	علت - سبب	plateaus	فلات و زمین مسطح
getting	تحصیل شده - کسب کرده	plateaus	وادار کردن - ترقیب کردن
Harmless	بی ضرر	Motivate	تحریک کردن - انگیزش
Householder	خانه دار - مالک خانه	Eliminate	حذف کردن - بر طرف
cleanliness	نظافت و پاکیزگی	Impose	وضع کردن - تحمیل کردن
protect	محافظت و حمایت کردن	Diminish	کم شدن - تقلیل یافتن
Maintain	پشتیبانی و نگهداری	Confirm	تایید کردن
Duties	حقوق	Comply	مطابق با - موافقت
strengthened	نیرومند کردن	merits	شایسته بودن
enriched	غنی شده	hazards	مخاطره - خطر
Explore	اکتشاف کردن	Defects	عیب و نقص
sweeping	شامل - جارو کشیدن	increasingly	افزایشی
vacuuming	فضای خالی - جارو برقی	Release	خارج کردن - بخشودگی
mopping up	تمیز کردن - جارو کردن	Devotion	طرفداری - حمایت
As Well As	به خوبی - همچنین	Instinct	غریزه
Supplies	تدارکات - ملزومات	Assertion	ادعا - اظهار نظر
Providing	تهیه کردن - آماده کردن	Conform	وفق دادن - پیروی کردن
Renovating	نوسازی - تجدد قوا	Confront	مواجهه شدن
Meet	مطابق شرایط بودن	Confess	اعتراف کردن
Happiness	شادکامی	configure	شکل دادن
Lack	کافی نبودن	diet	رژیم - برنامه

Decline	کاهش - نپذیرفتن	Fierce	خشمگین - وحشی
Recline	تکیه کردن - لمیدن	rainstorms	باران طوفانی
Cancel	انصراف	Benign	بی خطر
inspired	الهام شده	Massive	غول آسا
encouraged	تشویق کردن	Shrill	روشن - جیغ کشیدن
scalded	سوزاندن	Avid	حریص - مشتاق
departed	رفته - مرده	Belligerent	شورش‌ی - جنگجو
unearth	حفاری کردن	Benevolent	خیراندیش
Abide	رعایت کردن	Resourceful	چاره ساز - کاردان
Abate	کم شدن	serve	جداسازی
consent	رضایت	Transparent	شفاف
Vein	رگ	deceiving	فریب دادن
provision	تدارک	Reliable	قابل اطمینان - پایا
Obstacle	مانع	Defective	معیوب
expedition	سفر	Sensation	ادارک
Crew	سرنشینان - خدمه	Bulky	حجیم - سنگین
Contagious	واگیر - ناقل	Realistic	واقع گرایانه
Sympathetic	همدرد - سمپاتیک	Weird	غریب - خارق العاده
Forbidding	عبوس - ترسناک	Sociable	جامعه پذیر
Ruthless	ظالم	Prior	اولی - قبلی
Gloom	تاریکی - غم	Industrious	کوشا - سخت کوش
Devastate	ویران - خراب	Solitary	تنها - مجرد
Preserve	محافظت کردن - نگاه داشتن	Chiefly	مخصوصا - بطور عمده
Plunge	غوطه ور شدن	Bizarre	شگفت آور
Drench	خیساندن - اب دادن	Decisive	قاطع - سرنوشت ساز
Stomach	میل - معده - تحمل کردن	Destroy	تخریب - نابودی
Bullet	گلوله - تفنگ	Ventilate	تهویه هوا
organ	اندام	Amend	اصلاح
Inessential	غیر ضروری	Retain	ابقا کردن - نگهداشتن
Despite	با وجود اینکه - اهانت	Rehabilitation	توانبخشی

Clarify	صاف شدن - روشن شدن	cancer	سرطان
conflicting	مخالف	Affluent	سرخسار
Underestimate	دست کم گرفتن	Benevolent	خیر اندیش - نیکخواه
pursued	تعقیب کردن	Vulnerable	آسیب پذیر
glanced	نگاه اجمالی	Infection	ابتلا - تاثیر
fulfilled	تکمیل کردن	Vicious	نادرست
examined	معاینه کردن	quite	کامل - سراسر
Mankind	نوع بشر	sure	مطمئن
REWARD	پاداش	consent	رضایت و موافقت
Perish	هلاک شدن - نابود شدن	Appoint	منصوب کردن
among	در میان	Pierce	سوراخ کردن - نفوذ کردن
Thieves-thief	دزد	Respond	پاسخ دادن
seemed	به نظر آمدن - مناسب بودن	Impolite	بی ادب
Disguise	استتار - پوشش	Remarks	ملاحظه - تذکر - بیان
Baffle	گمراه کننده	contends	ستیزه کردن - جنگیدن
Refine	اصلاح کردن - پاک شدن	includes	در بر داشتن - شامل بودن
lament	تاسف خوردن	consists	مرکب بودن از - شامل بودن
permit	اجازه دادن	contains	محتوی بودن - در بر داشتن
Enthusiasm	اشتیاق	regarded	وابسته بودن
exempted	معاف کردن	Thought	اندیشه - گمان - افکار
quenched	خاموش کردن	meant	میانه - مشترک
matured	مدت دار - سر رسید	supposed	فرضی - فرض شده
Signified	مدلول	pretended	غیر واقعی
reception	پذیرش	avoided	اجتناب کردن - دوری کردن
depiction	نمایش	permitted	مجاز - قانونی
Abundance	وفور و فراوانی	Allowed	مجاز
Famine	قحطی	Remarks	اظهار نظر - ملاحظه
Ambush	پناهگاه - دام	rent	اجاره کردن
vocation	شغل و حرفه	Fertile	بارور - برومند
TREATMENT	رفتار - طرز عمل	idle	بیکار و تنبل

Lunatic	دیوانه و مجنون	Reluctant	بی میل
Spontaneous	خودانگیز - خود به خود	Valid	معتبر - قانونی
drastic	موثر - قوی	Weird	خارق العاده - غریب
properly	شایسته - صحیح - درست	Charity	خیریه
Picked	نوک نیز - خار دار	Cattle	گاو
Iron	آهن پوش	Lying	دروغگویی
Redeem	رهایی دادن - رها شدن	pathways	معبّر - جاده - گذرگاه
Scorch	سوختگی - سوختن	arose	لشگر
Sympathize	همدردی - هم فکری	Subsided	نشست کردن - فرو رفتن
Completely	کاملا	abided	ایستادن - ماندن
Exhausted	تحلیل رفته	blundered	اشتباه کردن
extinguished	خاموش	Exempt	معاف - آزاد - بخشوده
depicted	نمایش دادن	habits	عادت - لباس - رفتار
promoted	ترفیع دادن	earlier	قبلا
cliffs	دیواره - تخته سنگ - صخره	FATAL	کشنده - مهلک
Multitude	جمعیت کثیر - بسیاری	Impolite	بی ادب
Torment	عذاب - شکنجه	Offensive	تهاجم
culprits	متهم - انسان خطاکار	Aggressive	سلطه جو - مهاجم
Opposition	تناقض - دشمنی - مخالفت	Temperate	میانه رو
parties	بخش - جناح	preceded	گذشته
mumbled	زیر لب سخن گفتن	emphasized	اهمیت دادن
Illustrate	شرح دادن - روشن ساختن	announced	آگاهی دادن - اخطار دادن
prosecuted	دتابال کردن - پیگیر بودن	pretended	غیر واقعی
United	متحد شدن	Attract	جذب کردن - جلب کردن
Placement	مکان یابی	homebuyers	خانگی - پرورش خانگی
Promise	قول دادن	pioneers	پیشقدم
commencement	آغاز - جشن فارغ التحصیلی	commuters	تبدیل کردن
Confinement	توقیف - زندان بودن	sellers	فروشنندگان
Ignorance	جهل - نادانی - بی خبری	Comrade	رفیق - همراه
Autograph	دستخط نوشتن	detectors	ردیاب - کشف کننده

Lawn	چمن	Conformity	همنشینی - هم‌رنگی با جماعت
endured	تحمل - بردباری	pedestrians	پیاده - بی روح
drenched	خیس شدن	Opponent	رقیب - طرف دعوی
dwindled	کاهش یافتن - تحلیل رفتن	Fiction	افسانه - خیال - وهم
abided	ساکن شدن - ایستادگی	wagers	شرط بندی کننده
occasion	لزوم - سبب موقعیت	Trouble	آزار و اذیت - رنج
hope	انتظار داشتن	Sporadic	دوره ای - انفرادی
learnability	یاد گرفتن	Irrelevant	نامربوط
altitude	ارتفاع و بلندی	Cursory	با سرعت و بی دقت
Perilous	مخاطره آمیز	Precocious	زودرس - باهوش
Dense	فشرده	Workhouse	کارخانه - کارگاه - نوانخانه
enormous	بزرگ و عظیم	capable	باهوش - توانا - استعداد
vanished	ناپدید شدن	posthumous	متولد شده
predicted	پیش بینی شده	Indigent	تهیدست
debated	بحث و مناظره	Accused	متهم
assembled	ملاقات کردن - جمع شدن	Communist	کمونیست - مردم گرا
destruction	نابودی - انقراض	Reputation	شهرت
habitat	محل سکونت	Slander	تهمت زدن
pretension	تظاهر و ادعا	Riot	اغتشاش - آشوب
disapproval	عدم رضایت	Dimension	ابعاد - اندازه - بعد
Victory	پیروزی	Vacant	بیکار - تهی
achievement	موفقیت - به دست آوردن	Accustomed	معتاد
lie	قرار گرفتن - خوابیدن	Ludicrous	مضحک - خنده اور
cotton	نخی	Benevolent	کریم - خیراندیش
factories	کارخانه - مرکز تولید	Carry	انتقال
Subside	فرو نشستن	Wallet	کیف جیبی
chiefly	بطور عمده	Belligerent	آشوب گر - متخاصم
Rave	دیوانگی - جنجال	Legible	خوانا و روشن
abide	ایستادگی کردن - منتظر ماندن	Deliberate	عمدا انجام دادن

waterslide	کنار آب - تیغه آب	Probe	تحقیق
Gleam	نور ضعیف	Redeem	از رهن درآوردن - رهایی دادن
obedient	فرمانبردار - مطیع	Assignment	ماموریت دادن
unanimous	هم رای	Careless	بی دقت
matter	موضوع - ماهیت - اهمیت داشتن	Vandals	خرابکاری
lament	تاسف خوردن - سوگوای	Floods	طغیان کردن - طوفان
destination	مقصد	Morsels	مقدار کم - لقمه کوچک
destination	سفرنامه - برنامه سفر	Bachelors	لیسانسه - مجرد
Generosity	بخشش - سخاوت	Highest	فراز - بلند مرتبه
grief	غم و اندوه	Math	حساب - ریاضی
attorney	وکیل	Ignored	حذف کردن - نادیده گرفتن
Prisoner	زندانی - اسیر	Unified	متحد و یکپارچه
Incriminate	متهم کردن	Vacillate	تردید داشتن
Expedite	سرعت بخشیدن	Revealed	آشکار کردن
Spirit	روح	Illustrate	شرح دادن - توضیح دادن
accomplishments	کمالات - معلومات	Reach	دسترسی - استطاعت
Older	پیر - سالخورده - کهنه	Disinherit	محروم کردن
Pupil	مردمک چشم - دانش آموز	Dwindle	بطور تدریجی کاهش یافتن
Emulate	تقلید کردن	Disease	ناخوشی - بیماری
Gesticulate	اشاره کردن با سر و دست	Deprived	محروم کردن
Ignite	آتش زدن - شعله ور	Lost	گم شده - ضایع شده
Consent	موافقت	Confined	محدود کردن
Attend	انتظار کشیدن - صبر کردن	Became	شد - آمد - درخور
Duties	حقوق	Leather	چرمی
Fugitive	فراری و پناهنده	Deck	عرشه
Density	تراکم - غلظت - چگالی	Upholstery	مبل - اثاث - پرده
Calamity	مصیبت و فاجعه	Gorgeous	نمایش دار - با جلوه
Toil	رنج بردن و زحمت کشیدن	Voicing	صدا در آوردن
Such	این چنین - از قبیل - این طور	Looking	نما - به نظر
Disaster	فاجعه - بدبختی	manipulating	دستکاری
daze	گیج کردن - خیرگی	above	بالا - برتر - بالای سر
Culprit	متهم	Elevated	بلند مرتبه

detecting	شناسایی و کشف	increased	افزودن و ترفیع دادن
Cheered	خوشی - شادی کردن	invaded	تهاجم - حمله کردن
announced	خبر دادن - آگاهی یافتن	during	در مدت = در جریان
Shouted	جیغ کشیدن	insist	اصرار و پافشاری
embraced	در آغوش کشیدن	discard	رد کردن - رها کردن
Buried	به خاک سپردن	imprisoned	محبوس کردن - زندان کردن
Slander	تهمت زدن - افترا	amending	اصلاح کردن
Violent	جابرانه - سر سخرانه	indicating	تعیین کننده
Furtive	مخفی - پنهانی	enduring	با دوام - پر طاقت
Dust	گردگیری - غبار	betraying	خیانت کردن - فاش کردن
Clouds	توده انبوه - ابری	protested	اعتراض کردن - شکایت
Galaxy	راه شیری - کهکشان	confined	بستری - محدود شده
Cancer	سرطان	avoided	اجتناب کردن - دوری کردن
inherited	ارثی - ژنتیکی	transmitted	مخابره کردن - فرستادن
trenches	چال - گودال - استحکامات	endured	تحمل کردن - با دوام
indifference	بی تفاوتی - بی علاقه گی	legible	خوانا و روشن
defect	ناهنجاری - عیب - خطا	Idle	تنبل و بیکار
Remarks	اظهار عقیده - توجه - بیان	Vital	حیاتی
stopped	ایستادن - توقف کردن	Contagious	مسری - واگیر دار
stepped	پله دار	Fate	وضعیت - سرنوشت - تقدیر
Notice	تذکر	departures	مرگ - حرکت - عزیمت
preoccupied	پریشان - گرفتار	appearances	ظاهر - نمایش - پیدایش
violent	سخت گیرانه - شدید	preservation	مهار کننده فساد
benign	بی خطر - خوش خیم	coincidences	تصادف - اتفاق
affluent	ریزنده - سرشار	capable	صلاحیت دار - شایسته
Bizarre	شکفت اور	lubricating	لیز کردن - نرم کردن
Protect	محافظت کردن	avid	مشتاق و حریص

Advised	مصلحت آمیز - خردمندانه	cheered	خوشی - شادی کردن
wasp	زنبور	announced	خبر دادن - آگاهی یافتن
protect	محافظت کردن	shouted	جیغ کشیدن
above	بالا - برتر - بالای سر	embraced	در آغوش کشیدن
Elevated	بلند مرتبه	buried	به خاک سپردن
increased	افزودن و ترفیع دادن	Slander	تهمت زدن - افترا
invaded	تهاجم - حمله کردن	violent	جابرانه - سر سخنانه
during	در مدت = در جریان	furtive	مخفی - پنهانی
insist	اصرار و پافشاری	dust	گردگیری - غبار
discard	رد کردن - رها کردن	clouds	توده انبوه - ابری
imprisoned	محبوس کردن - زندان کردن	galaxy	راه شیری - کهکشان
amending	اصلاح کردن	Cancer	سرطان
indicating	تعیین کننده	inherited	ارثی - ژنتیکی
enduring	با دوام - پر طاقت	trenches	چال - گودال - استحکامات
betraying	خیانت کردن - فاش کردن	indifference	بی تفاوتی - بی علاقه گی
protested	اعتراض کردن - شکایت	defect	ناهنجاری - عیب - خطا
confined	بستری - محدود شده	Remarks	اظهار عقیده - توجه - بیان
avoided	اجتناب کردن - دوری کردن	stopped	ایستادن - توقف کردن
transmitted	مخابره کردن - فرستادن	stepped	پله دار
endured	تحمل کردن - با دوام	Notice	تذکر
legible	خوانا و روشن	preoccupied	پریشان - گرفتار
Idle	تنبل و بیکار	violent	سخت گیرانه - شدید
Vital	حیاتی	benign	بی خطر - خوش خیم
Contagious	مسری - واگیر دار	affluent	ریزنده - سرشار
fate	وضعیت - سرنوشت - تقدیر	Bizarre	شکفت اور
departures	مرگ - حرکت - عزیمت	benevolent	خیراندیش - نیکوکار
appearances	ظاهر - نمایش - پیدایش	avid	مشتاق و حریص
preservation	مهار کننده فساد	identical	برابر
coincidences	تصادف - اتفاق	heterogeneous	ناهمگن - نامتجانس
capable	صلاحیت دار - شایسته	Integrity	یکپارچگی - درستی - اتحاد
lubricating	لیز کردن - نرم کردن	assertion	ادعا - بیانیه - اعلامیه
jailed	حبس کردن	deal	معامله - داد و ستد

impeccable	بی عیب	eradicated	ریشه کن شدن
fallacious	سفسطه آمیز - غلط	presumed	فرض کردن
poverty	تنگدستی - فقر	competed	رقابت کردن
unemployment	بیکاری	Christendom	عالم مسیحیت
elimination	حذف - دفع	Tendency	گرایش - زمینه علاقه
ease	راحتی - استراحت	menace	تهدید
contribute	همکاری کردن - شرکت کردن	experienced	با تجربه - کارآزموده
gesticulate	با سرو دست اشاره کردن - فهماندن	Crafty	حیله گر - با مهارت
imitate	پیروی کردن - تقلید کردن	fragile	شکنده - نازک
exacerbate	شدیدتر کردن - بدتر کردن	probability	احتمال
greatly	بسیار زیاد - شرافتمندانه	battle	نبرد - جنگ
imbibe	نوشیدن - خیساندن - جذب کردن	escaped	فرار کردن - گریختن
expedite	سرعت بخشیدن - تسهیل کردن	Precede	مقدم بودن - جلو بودن
mediate	میانجی - میانه	Devour	بلعیدن - فرو بردن
abandon	ترک کردن	Perish	مردن - هلاک شدن
plausible	محتمل - باور کردنی	Corrupt	تحریف شدن
Tense	سخت - ناراحت - تنیده	Detest	تنفر داشتن
sporadic	دوره ای - گاه و بیگاه	Persuade	ترغیب شدن
posthumous	منتشر شده پس از مرگ	devise	شعار - ارز - پول
quench	فروشاندن - سرد کردن	linger	مردد بودن - تردید داشتن
eliminate	حذف کردن	quickly	به سرعت - تند
procrastinate	معوق گذراندن	raise	بالا بردن
contrary	مخالفت کردن	shrink	کوچک شدن
rural	روستایی	Remain	باقی ماندن - اقامت
Vicinity	در نزدیکی - حومه	announced	آگاهی دادن - خبر دادن
neglect	غفلت	subsequent	متوالی
effort	تلاش	comparative	نسبی - مقایسه ای
prominence	برتری	Previous	پیشین - اسبق
fortunately	خوشبختانه	Preceding	پیشین - قبلی
hit	موفقیت - ضربه	Held	نگاه داشته شده
consumed	مصرف شدن - از پا در آمدن - تحلیل	Sang	خون

Anticipation	پیش بینی	Beckon	اشاره با سر و دست
Apprehension	بیم - هراس - دستگیری	Droplet	قطره - قطره بارانی
Vacuum	فضای خالی - ظرف خالی - خلاء	Tiny	کوچک
Tube	لامپ - لوله تیوپ	Clouds	ابر - توده ابرومه
proximity	نزدیکی و مجاورت	Degrade	پایین آمدن
Fell	قطع کردن - سنگدن - مهیب	collide	برخورد کردن
surrounding	احاطه شده - مجاور - دور گیرنده	hang	چسبیدن و آویختن
Tidal	جذر و مدی - کشندی	coincide	همزمان بودن
temperate	معتدل و ملایم	crashing	سقوط - در هم شکستن
Prime	برجسته - عمده - اولین - مهمترین	louder	صدای بلند - مشهور
Minister	کمک کردن - خدمت کردن - وزیر	particularly	مخصوصا
intervention	مداخله - دخالت - نفوذ	primarily	اصولا
coincidence	انطباق و برخورد	steadily	یک نواخت پیوسته
Amenity	سازگاری	sequentially	مداوم - پی در پی
famine	قحطی	pack	فشرده سازی
fired	پخته شده	Transmit	عبور دادن - فرستادن
Corrupt	فاسد - معیوب - تحریف شده	Submit	ارائه کردن - تثبیت کردن
Prevail	شایع شدن - مسلط	adequate	مناسب - صلاحیت دار
fabricate	جعل کردن - درست کردن	proper	درست و مقتضی
indifferent	بی اثر - بی تفاوت - بی طرف	contaminated	آلوده
Ambiguous	مبهم	brief	خلاصه کردن - پرونده کردن
enduring	پر طاقت - با تحمل	marginal	حاشیه - لبه - مرز
phantom	شیخ - خیالی - فانتوم	solitary	تنها - مجرد
Perhaps	شاید - ممکن است	session	جلسه - دوره
Emergence	حتمی - ظهور - اورژانسی	Engaged	کاندیدا - نامزد
proportion	نسبت و تناسب	evolved	گشادن - باز شدن - استخراج کردن
high	افزایش - عظیم - بزرگ	commenced	شروع کردن - آغاز کردن
tormented	رنج کشیدن	evaded	طفره رفتن - از سر باز کردن
Reckless	بی اعتنا - بی پروا - بی رویه	Expanded	بسط یافته - منبسط
discernible	قابل تشخیص	costly	گران و پر خرج
demonstrate	نمایش دادن - دلیل آوردن	Exterior	بیرونی - خارجی
Arguably	بصورت مشکوک - تقریبی	obligation	تعهد
proficiently	استادانه - ماهرانه	desire	میل داشتن - آرزو

constantly	بدون تغییر - با ثبات	frustration	ناکامی
mere	خالی - تنها - فقط	conquer	پیروزی - فتح - غلبه کردن
plenty	فراوانی - بسیاری	estimation	برآورد - تخمین
raised	برجسته و برآمده	hold	نگهداری - جلوگیری کردن
blended	ترکیب - مخلوط	Tropical	استوایی و گرمسیری
deceived	فریب دادن	transition	انتقال
Actualize	واقعیت دادن و عملی کردن	preservation	محافظت - حراست
invasion	تهاجم	responded	پاسخ دادن
spread	انتشار و نشر	resumed	ادامه یافتن
regulation	قوانین و مقررات	rehabilitated	توانبخشی کردن
previous	پیشین و قبلی	reformed	تصحیح شده - تعمیر شده
proportionately	به تناسب	huge	تنومند - کلان - بزرگ
popularly	عوام پسند	fabric	کالبد - تولید
irrigation	آبیاری	panels	تابلو - صفحه
fertilization	باروری	sunlight	تابش آفتاب
drought	خشکسالی	Celestial	آسمانی - فلکی
grazing	علف زار - چراگاه	stained	زنگ زدگی - آلودگی
comes	آمدن - رسیدن	simply	سادگی
violation	خطا - تجاوز	Incapable	عاجز و نالایق
rest	استراحت	continuing	مداوم
shatter	شکستن - خرد کردن	inspired	الهام شده
halt	ایستادن	tempted	فریفتن - اغوا شدن - وسوسه شدن
intersection	تقاطع - چهارراه - اشتراک	ensured	متقاعد ساختن - مطمئن ساختن
Withdraw	پس گرفتن - باز گرفتن - سر باز زدن	Arguably	تقریبی - نا مطمئن
stun	گیج - سراسیمه	vigorously	با قوت و شدید
hinder	جلوگیری کردن - ممانعت	incentive	مشوق - محرک
evade	طفره رفتن - سر باز زدن	Soothe	آرام کردن - تسکین دادن
progress	پیشرفت	Chronological	دارای ترتیب تاریخی
greatest	بزرگ - عظیم - طولانی	firefighters	مامور آتش نشانی
incentive	مشوق - محرک	Protective	محافظتی - حمایتی

Species	گونه - قسم - نوع	endowed	صاحب مال و ثروت
expressions	مبین - بیان - عبارت	Forgiven	بخشیدن - عفو کردن
Moisture	نم - رطوبت	risen	برخاسته - طلوع کرده
Rises	برخواستن	reluctance	بی میلی - مخالفت
Falls	آبشار	Wishful	طالب - مشتاق
affording	حاصل شدن - تهیه شدن	enthusiasm	اشتیاق فراوان
Conceive	درک کردن - حامله شدن	subsequent	متوالی - پی در پی
Imposed	تحمیل شدن	incredible	باور نکردنی - افسانه ای
Driven	رانده شده	additional	اضافی
HEALING	معالجه - شفا	curse	بلا و مصیبت
properties	خواص	cure	درمان - شفا - دارو
Ingredient	عنصر سازنده	Disease	بیماری
Lotions	لوسیون	earthworms	کرم خاکی
Shimmer	موج زدن - نور لرزان	fragile	شکننده و لطیف
Soak	خیساندن	Forbidden	ممنوع
Sunburn	آفتاب سوختگی - آفتاب زدگی	daily	روزانه
Insect	حشره	Newly	بتازگی - اخیرا
Larval	نوزاد حشره	imprinted	مهر زدن - نشاندن
take over	بدست آوردن - تحویل گرفتن - تصاحب	retrieve	بازیابی کردن
Undergo	تحمل کردن - دستخوش چیزی شدن	merge	ادغام کردن
Survive	زنده ماندن - سپری کردن زندگی	Induce	القاء کردن - مجبور کردن
Illegal	غیر قانونی	evidence	معلوم کردن
Thrive	پیشرفت کردن - رونق دادن	Speculation	سفته بازی
Adore	ستودن - عاشق شدن	Interrogation	بازپرسی
Envy	غیبه و حسادت	documentation	مستند سازی
Detest	نفرت داشتن - بیزار بودن	prosecution	پیگرد و تعقیب
Myriad	بیشمار	rarely	به ندرت
Manner	حالت و وضعیت	Species	گونه - نوع
magnitude	دامنه - تعداد - شدت	verge	در حاشیه - جاده - محدوده
Amazing	شگفت انگیز	destruction	نابودی - ویرانی
Granted	بخشیدن و موافقت کردن	collapse	فروپاشی - متلاشی
Donated	بخشیدن	trash	زباله - تفاله

Extinction	انقراض - انهدام	Foundation	بنیاد - تاسیس - شالوده
Reproduction	بازتولید - تکثیر - تولید مثل	procedure	رویه
Foster	پروردن - غذا دادن	Outlook	برنامه پست الکترونیکی
Overcome	غلبه کردن	Priority	اولویت بندی
Bewilder	سر درگم کردن - گیج کردن	Overthrow	بر انداختن - سرنگون کردن
Diet	جیره غذایی	Pursue	تعقیب کردن - دنبال کردن
Regular	قانونی - منظم	Devastate	ویران کردن - خراب کردن
Withdraws	پس گرفتن و باز گرفتن	Perish	نابود شدن - هلاک شدن
Pursues	تعقیب کردن - دنبال کردن	critically	بحرانی - انتقادی
Brave	شجاع - نترس	precisely	با دقت و صراحت
Pervert	منحرف	DISTINGUISH	تشخیص دادن
Explode	منفجر شدن	Determine	مشخص و معین
Absorb	جذب	Extinguish	خاموش کردن
Confront	مواجهه شدن - روبرو شدن	Arrive	وارد شدن - رسیدن
Neglected	ظفره رفتن - غفلت کردن	Instantaneous	لحظه ای - آنی
Denouncing	علیه کسی صحبت کردن - انتقاد	Separable	تفکیک پذیر
HIRING	استخدام کردن - اجیر کردن	integrative	منسجم و یک پارچه
Composition	ترکیب - انشاء	Lecturer	مدرس - سخنران
Pleasure	لذت	Lots	خیلی زیاد
Weird	عجیب و غریب	hesitations	تردید - تامل
Reluctant	بی میل - ناراضی	Quite	بطور کامل - واقعا
Cures	دوا - درمان	Simultaneous	همزمان - در یک لحظه
Suppose	تصور کردن	Spontaneous	خود انگیخته - خود به خود
Incurable	نا علاج - درمان ناپذیر	Synchronous	همه‌هنگ و همزمان
Consented	رضایت و موافقت	Symphonic	همه‌هنگ و موزون
Preserve	نگه داشتن - نگهداری	attest	سوگند
Torrent	سیلاب	Regulate	تنظیم کردن
Molest	مزاحم شدن	emotional	احساساتی
Unforeseen	پیش بینی نشده	Speculate	اندیشیدن و تفکر کردن - سوداگری
Arise	پدید آمدن - برخاستن	Execute	عمل کردن - اجرا کردن
Overhaul	باز سازی - تعمیرات اساسی	converted	تبدیل کردن - معکوس
rather than	به جای - نه مانند	aggravated	اضافه کردن - بدتر کردن

Terrible	وحشتناک - هولناک	elaborates	با جزئیات - دقیق
Disadvantage	بی فایده - شرایط نامساعد	Humorous	شوخی - خنده دار
Deprivation	محرومیت	Supportive	حمایتی
Bankruptcy	ورشکستگی	renters	موجر - اجاره کننده
Constructive	سازنده - سودمند	Auditor	بازرس - حسابرس
Dubious	مشکوک	Persuasion	ترغیب - قانع سازی - تشویق
Adaptive	منطبق - انطباق پذیر	narration	داستان سرایی
Passionate	احساساتی	compare	مقایسه
Enthusiastic	مشتاق و علاقمند	Contrast	مغایرت و مقابله
motivated	انگیختن - تحریک شدن	fluorescent	لامپ مهتابی
frustrated	بی نتیجه - شکست خورده	bulbs	حباب
Kindness	مهربانی - لطف	clients	مشتری
blamed	مقصر دانستن - سرزنش کردن	patients	شکیبا - صبور - بیمار
donated	بخشیدن - هدیه دادن	Therapist	درمانگر - درمان شناس
granted	بخشیدن - موافقت کردن	Compose	مرکب - ترکیبی
Immigrate	مهاجرت کردن - کوچ کردن	Instruments	ابزار - وسیله
Career	مسیر شغلی	Comprehensive	جامع و فراگیر
brought	آورده شده	Taught	آموخته
turned	تغییر دادن - چرخش	interventions	نفوذ - دخالت
beans	دانه ها	Interactions	تعامل - فعل و انفعال
Piece	تکه - مهره - سکه	orphaned	یتیم - بدون پدر و مادر
Preference	تنظیمات	resolve	حل کردن - رفع کردن
Torment	شکنجه - آزار	Coping	کنار آمدن - کتیبه
Instructions	دستورات - تعلیمات	relatively	نسبتا
evade	طرفه رفتن و سرباز زدن	particularly	مخصوصا - به خصوص
Refine	اصلاح کردن	Appropriate	مناسب
Jeopardize	به خطر انداختن	circumstances	اوضاع - شرایط
account	حساب - تسویه	Composer	سراینده - آهنگ ساز
Run	کار کردن	Aristocracy	اشرافیت - حکومت اشرافی
lunches	نهار - ظهرانه	quartets	چهاربخشی
Hierarchical	سلسله مراتبی	heavily	به سختی
Comparison	مقایسه ای	Fortune	شانس - مال و ثروت